

نگاهی به روند شکل‌گیری و زمینه‌های تشکیل شورای حقوق بشر

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۰۹)

دکتر امیرحسین سلیمان فلاح^۱

محقق و پژوهشگر

چکیده

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، زیرمجموعه‌ای از شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد بود که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۶ توسط شورای اقتصادی تشکیل و در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ با رأی قاطع مجمع عمومی سازمان ملل متحد با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد جایگزین شد. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد و یکی از دو «کمیسیون‌های کاربردی وظیفه‌ای» بود که در ساختار اولیه سازمان ملل ایجاد شد (دیگری کمیسیون مقام زن). این کمیسیون، چارچوبی بود که براساس منشور ملل متحد (به خصوص، تحت ماده ۶۸) ایجاد شده بود و تمامی کشورهای عضو سازمان ملل آن را امضا می‌کنند. این جلسه برای اولین بار در ژانویه سال ۱۹۴۷ برگزار شد و یک پیش‌نویس برای اعلامیه جهانی حقوق بشر نگاشته شد که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط سازمان ملل متحد تصویب شد. کمیسیون حقوق بشر طی سال‌های حیات خود، به تدریج حوزه فعالیت‌ها و اقدامات خود را گسترش داده و ساختار خود را تعدیل نمود و تحولات را به خود پذیرفت اما در مجموع، اگر شرایط مناسبی برای عملکرد شورای حقوق بشر فراهم نشود، این احتمال مطرح می‌شود که شورای جدید هم نظیر ساختار کمیسیون حقوق بشر موفقیت چندانی نداشته باشد. با این تفاسیر در این مقاله قصد داریم به روند شکل‌گیری و زمینه‌های تشکیل شورای حقوق بشر بپردازیم.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، شورای حقوق بشر

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: بررسی و شناخت حقوق بشر در عصر کنونی

حقوق بشر و حقوق شهروندی هدایای الهی و جز حقوق ذاتی و طبیعی انسان هاست و کسی نمی تواند این امتیازات یا بخشی از آنها را اعطا و یا حذف نماید. حقوق بشر و حقوق شهروندی، حقوقی هستند که انسان به صرف انسان بودن و نه به دلیل موقعیت خاص یا ویژگی خاص دارا می باشد. به عبارتی این حقوق حق مسلم تمامی افراد فارغ از نژاد، رنگ، جنس، زبان و مذهب است. پس به سبب ارزشهای مساوی و یکسان و کرامت ذاتی انسان می توان حقوق بشر را جهان شمول دانست. مشکلی که در تعریف حقوق بشر وجود دارد ناشی از مفهوم و ماهیت «حقوق» است که مناقشات فراوانی در میان فلاسفه حقوق برانگیخته است. بطور کلی در مورد ماهیت حقوق دو نظریه وجود دارد: نظریه ای که بر اراده یا انتخاب تاکید می ورزد و نظریه ای که بر نفع یا مصلحت تکیه می کند. در نظریه اول که مدافع اصلی معاصر آن «هارت» می باشد، فرد دانسته شده است. مطابق این نظریه حق عبارت است از قدرتی که قانون به افراد داده است تا کاری را انجام داده یا آن را ترک کنند. بنابراین فرد می تواند حق مورد نظر را اسقاط کند یا آن را اجرا نماید. براین نظریه انتقاداتی وارد است از جمله این که بعضی از حقوق فردی مثل حیات قابل اسقاط یا واگذاری نیست. آیا فرد می تواند حق زندگی کردن را از خود سلب کند و یا اختیار زندگی خود را به دست دیگران بسپارد؟ آیا تکلیف به رعایت حق حیات دیگران با رضایت دارنده حق، ساقط می شود؟ کسی نمی تواند دیگری را حتی با رضایت او، به قتل برساند یا مورد شکنجه قرار دهد. از سوی دیگر در این نظریه میان حق تمتع و حق استیفاء تفکیکی دیده نمی شود. برخی از حقوق چنان است که دارنده آن قدرت استیفاء ندارد مثل کودکان، که مطالبه حقوق آنان، تکلیفی است به عهده ولی یا سرپرست آنان و خود کودکان فاقد اهلیت استیفاء هستند. و باز امروز سخن از حقوق حیوانات، درختان، سواحل دریا و غیره می رود که در مسائل

مربوط به حیات وحش، اکولوژی و محیط زیست رواج یافته است. حیوانات، دریاها، کوهها و جنگلها چه قدرت و اراده ای می توانند داشته باشند؟ در زمینه حقوق بشر هم امروزه از دسته ای از حقوق موسوم به «نسل چهارم» و حقوق نسلهای آینده سخن می رود که با این نظر قابل توجیه نیست.^۱ در نظریه دوم که ابتدا در آثار «بنتام»^۲ بیان شده و امروزه دانشمندانی چون «لیونز»، «مک کورمیک»، «راز»، «کمپیل» و دیگران از آن حمایت می کنند، هدف حقوق نه حمایت از قدرت و اراده فرد، بلکه حفظ برخی منافع و مصالح متعلق به او تلقی می شود. به عبارتی، حقوق منافی است که قواعد تنظیم کننده روابط، برای اشخاص تضمین کرده است. مثلاً «الف» زمانی دارای حق است که از اجرای یک تکلیف ملازم با آن، منتفع می گردد و یا «الف» زمانی می تواند حقی داشته باشد که حمایت یا پیشبرد نفع متعلق به او مورد شناسایی قرار گیرد و در مقابل، تعهدات و تکالیفی برای سایرین وضع گردد.^۳ این نظریه فاقد برخی انتقادات مربوط به نظریه اول است ولی اشکالی که در آن به نظر می رسد این است که منافع ناشی از حق است و نه عین آن. آموزه های اخلاقی حقوق بشر معطوف به تشخیص پیش شرط های پایه ای است که هر انسانی برای حداقل زیست به آن نیاز دارد. حقوق بشر هم معطوف به پیش شرط های منفی و هم پیش شرط های مثبت کمینه ای است، که لازمه یک زندگی خوب است؛ مانند حقوق منع شکنجه و حق برخورداری از سلامت. توجیه ملاحظات اخلاقی همیشه مقدم بر ملاحظات ملی است.^۴ پس تا اینجا فهمیدیم حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است. در این پاسخ فرض بر این

^۱ Freeman, Michael (۲۰۰۲). *Human rights : an interdisciplinary approach*. Cambridge: Polity Press, pp. ۹۰-۳۸۹.

^۲ Bentham.

^۳ Freeman, Michael, op. cit, p ۹۰-۳۹۹.

^۴ Andrew, Fagan, Human Rights in *Social and Political Philosophy*, *Internet Encyclopedia of Philosophy*, ۲۰۰۹/۱/۲۸, p ۲.

نهاد شده که یک سلسله هنجارها، اصول و حقوقی وجود دارد که جنبه جهان شمول دارد و برای تمام افراد انسانی در جوامع مختلف قابل اعمال است چرا که همه افراد به جهت انسان بودن دارای حقوقی هستند که هیچ جامعه یا دولتی نمی تواند آنها را انکار کند. به همین دلیل در تعریف حقوق بشر گفته اند: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است.» این امتیازات در صورت تحقق، معیار واقعی مشروعیت و ملاک محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد است.^۱ در تعریفی دیگر حقوق بشر تضمین های اخلاقی پایه ای انگاشته می شوند که مردم در همه کشورها و فرهنگ ها، به صرف انسان بودنشان باید از آنها برخوردار باشند. اینکه این تضمین ها "حقوق" خوانده شده اند بدان معناست که همه افراد، جویای آن تعلق می گیرند. دارای اولویت بالایی هستند و اجابت آنها اجباری است و نه اختیاری، اغلب حقوق بشر را جهانشمول می انگارند، به این معنا که همه افراد از آن برخوردارند. و باید برخوردار باشند. این حقوق مستقل دانسته می شوند، به این معنا که فارغ از اینکه توسط نظام قانونی و رسمی یک کشور به رسمیت شناخته شوند یا به اجرا درآیند و یا نه وجود دارند.^۲ به رغم آنکه واژه «حقوق بشر» بصورت گسترده ای مورد استفاده قرار می گیرد، اما تعریف آن دشوار می نماید. به بیان کلی حقوق بشر حقوقی بنیادین و انتقال ناپذیر است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می شود. با وجود این، در مورد اینکه محتوای این حقوق چیست، اتفاق نظر وجود ندارد. اغلب به آسانی می توان دریافت که منظور از حقوق بشر دستیابی به مفهوم و محتوای آن، یعنی حمایت فرد در مقابل سوء استفاده از اقتدار دولت است تا اینکه صرفاً تعریف آن مطمح نظر باشد. از این رو، تعریفی از حقوق بشر، که مورد پذیرش عمومی باشد، ارائه نشده و این امر خود مشکلی بر سر راه تنظیم بین

- فلسفی هدایت، هدایت ا...، تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی، پیشین، ص ۹۴.

۴۸- Nickel, James. *Making Sense of Human Rights: Philosophical Reflections on the Universal Declaration of Human Rights*, (Berkeley; University of California Press, ۱۹۹۲), p۵۶۱-۲.

المللی آن محسوب می شود. حقوق بشر بیش از هر موضوع دیگر تمایز بین جهانشمولی و نسبیت گرایي فرهنگی را به تصویر می کشد. جهانشمولی وضعیت مورد تاکید کنفرانس جهانی ژوئن ۱۹۹۳ سازمان ملل درباره حقوق بشر (کنفرانس وین) را منعکس می نماید. نظریه نسبیت گرایي مبین آن است که حقوق بشر در یک کشور با کشوری دیگر که بر اساس ارزشها، سنت های مذهبی و فرهنگی دیگری شکل گرفته متفاوت می نماید.^۱

بخش دوم: بررسی و شناخت تاسیس کمیسیون حقوق بشر

سه نهاد اصلی که در سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ و ارتقاء حقوق بشر را بر عهده داشته عبارتند از: شورای امنیت، مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر. مسئولیت شورای امنیت در این خصوص به امور حقوق بشر که صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره میاندازد محدود میگردد. مجمع عمومی نیز تا کنون تعدادی قطعنامه و بیانیه تصویب نموده و بحث های زیادی در رابطه با نقض جدی حقوق بشر انجام داده است. از نهادهای ملل متحد که پیش از این مسئولیت مستقیم حقوق بشر را بر عهده داشته «کمیسیون حقوق بشر» بوده که در سال ۱۹۴۶ به موجب ماده ۶۸ منشور توسط شورای اقتصادی و اجتماعی تاسیس شد ولی میزان موفقیت این کمیسیون تخصصی همواره مورد بحث حقوقدانان و سیاستمداران بوده تا آنکه نهایتاً پس از ۶۰ سال از تاریخ تأسیس آن در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی طی قطعنامه ای «شورای حقوق بشر» را جایگزین این کمیسیون نمود.^۲ ارگان های حقوق بشری از نظر نوع کارکرد به دو دسته تقسیم می شوند.

^۱ حقوق بین الملل، ترجمه: قاسم زمانی، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، والاس، ریکا - تهران، ۱۳۹۰، ص ۲۷۹-۲۸۰.

- منوچ، کومارسینها، از کمیسیون حقوق بشر تا شورای حقوق بشر؛ یک راه طولانی، مترجم: علی قاسمی، مجله ۲ دیدگاه های حقوقی، دانشکده علوم قضایی، شماره ۳۸، ۱۳۸۵، صص ۴۱-۴۹، ص ۴۱.

الف- ارگان‌های ایجاد شده بر اساس منشور سازمان ملل متحد

ب- نهاد‌هایی که بر اساس میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر موجودیت یافته‌اند. یکی از نهاد‌های رسیدگی‌کننده به مسائل حقوق بشر، که از جمله وظایفش، توصیه و صدور قطعنامه و انجام مقدمات برای این منظور است، شورای اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. این شورا طبق ماده ۶۸ منشور کمیسیون‌ها و گروه‌های کاری متعدد را در زمینه رسیدگی به مسائل حقوق بشر ایجاد نموده است.^۱ کمیسیون حقوق بشر در شانزدهم فوریه ۱۹۴۶ طی قطعنامه^۵ (I) شورای اقتصادی و اجتماعی تأسیس شد و در پی آن، کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها با تصویب قطعنامه^۹ (II) شروع به کار کرد که البته از سال ۱۹۹۹ کمیسیون فرعی فوق به کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر تغییر نام داد. کمیسیون حقوق بشر، مهمترین نهاد مبتنی بر منشور است که به گفته مری رابینسون، کمیسر سابق ملل متحد، بنای اصلی کار ملل متحد در زمینه حقوق بشر است و مهمترین رکن بین‌الدولی تصمیم‌گیری در این زمینه است. اجلاس‌های شش هفته‌ای سالانه کمیسیون سابق در ژنو، یک گردهمایی منحصر به فرد جهانی جهت طرح مباحث و روشن ساختن اتهامات مربوط به نقض اشکال مختلف حقوق بشر بود. در حالی که در تحلیل عملکرد کمیسیون باید بستر سیاسی بین‌المللی را در نظر داشت، از ابتدای تشکیل کمیسیون، مباحثی پیرامون حیطه وظایف آن وجود داشت.^۲ کمیسیون اختیارات گسترده‌ای برای تهیه توصیه‌ها، گزارشات و اعلامیه‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر داشت. این کمیسیون همچنین توانست کنوانسیون‌هایی در مورد آزادی‌های مدنی، وضعیت زنان،

- آقایی، سید داوود، کارنامه کمیسیون حقوق بشر؛ درباره ایران (پس از انقلاب اسلامی)، مجله دانشکده حقوق و

علوم سیاسی، شماره ۶۰، ۱۳۸۲، صص ۱۱-۳۵، ص ۱۴.

، ارزیابی سازوکارهای ملل متحد در حمایت از حقوق بشر؛ ارکان مبتنی بر منشور و معاهدات، نسرین ۶۴-مصفا

مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۳۱، ۱۳۸۲، صص ۱۵۲-۱۷۸، ص ۱۶۲.

آزادی اطلاعات و حمایت از اقلیت ها، جلوگیری از تبعیض نژادی، جنسی و زبانی و مذهبی را تدوین کند. یکی از مهمترین دستاوردهای کمیسیون تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر بود که شامل استانداردهای مشترک تکامل یافته ای برای همه ملتها بود و همه اعضای جامعه جهانی را به رعایت آن متعهد می ساخت. برگزاری کنفرانس تهران که منعکس کننده تاثیر حقوق بشر بر روند استعمارزدایی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶ و همچنین طرح اعلامیه حق توسعه در ۱۹۸۶ بود کنفرانس جهانی ۱۹۹۳ وین در مورد حقوق بشر در پایان جنگ سرد که اصول جهانشمولی و انسجام حقوق بشر را متبلور و منجر به ایجاد «دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر»^۱ شد از دستاوردهای دیگر کمیسیون حقوق بشر است.^۲ فعالیت های این شورا را می توان از زمان تشکیل تا جایگزینی با شورای حقوق بشر، به سه دوره تقسیم کرد. کار اصلی کمیسیون در دوره اول (از ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۶ میلادی) وضع قانون ها و استانداردهای حقوق بشری در قالب کنوانسیون های مدنی و سیاسی بود. در دوره دوم که از ۱۹۶۷ آغاز شد، با نشر گزارش های موضوعی توسط کار گروه ها و زیرمجموعه ها، نقض حقوق بشر را در کشورهای مختلف زیر نظر می گرفت و از ۱۹۹۰ تا زمان انحلال، به عنوان مشاور برای کشورهای مختلف جهان بر ارتقای حقوق فرهنگی-اجتماعی تاکید می کرد.

کمیسیون حقوق بشر ابزاری در نهاد ملل متحد بود که شبکه ای از مکانیسم نظارت را مانند: شیوه های گزارش دهی، تشکیل کار گروه ها، گزارشگران ویژه، کارشناسان مستقل در زمینه های عملیاتی مختلف و شیوه های شکایت فردی را ایجاد کرد.^۳

^{۱۵} -Office of the High Commission for Human Rights(OHCHR).

^{۱۶} - Nico, Schrijer, the UN Human Rights Council: A New "Society of the Committed " or Just Old Wine in New Bottle? Leiden journal of International Law, ۲۰, ۲۰۰ ۱, pp. ۸۰۹-۸۲۳. p ۸۱۱.

^{۱۷} -Ibid..

بخش سوم: نگاهی اجمالی به اقدامات نهایی کمیسیون حقوق بشر

در سالهای اخیر، کمیسیون مزبور به طور فزاینده توجه خود را به ترویج حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق توسعه، معطوف کرده است. کمیسیون مزبور اقدام به تأسیس چند رکن فرعی جهت کمک به فعالیتهای خود در این زمینه کرده که از آن میان می توان به گروههای کاری مربوط به بررسی آثار دیون خارجی و همچنین موضوعات دیگر مانند حقوق مردمان بومی اشاره نمود. به طور کلی در اواخر کار کمیسیون، موضوعات زیر توسط کمیسیون از طریق گروههای کار و یا گزارشگران موضوعی صورت می گیرد: تبعیض نژادی، اجرای سند کنفرانس دوربان ۲۰۰۱ در زمینه تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و تمام اشکال نابردباری، حق توسعه، نقض حقوق بشر در هر منطقه جهان، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق مدنی و سیاسی، شامل موضوع شکنجه و دستگیری، ناپدید شدن اجباری، ترویج و حمایت از آزادی عقیده و بیان، استقلال قضات و وکلا، مجازات و نابردباری مذهبی، حقوق زنان، خشونت علیه زنان و علل و عواقب آن، حقوق کودکان، فروش کودکان، فحشای کودکان و پورنوگرافی، کارگران مهاجر، اقلیتها و افراد آواره، مسائل مردمان بومی، ترویج و حمایت از حقوق بشر شامل کار کمیسیون فرعی، ارکان مبتنی بر قرارداد و نهادهای ملی، تروریسم و حقوق بشر، حقوق افراد دارای معلولیت، بازداشتیهای خودسرانه، حقوق هر شخص برای بهره‌وری از بالاترین معیار قابل دسترسی فیزیکی و روحی، حق تعلیم و تربیت، حق دسترسی به غذا، مدافعان حقوق بشر، حق داشتن مسکن مقتضی، حق آزادی مذهب و عقیده، استفاده از مزدوران به عنوان برای بهره‌وری مردم از حق تعیین سرنوشت، حقوق بشر و فقر مفرط، تعدیل ساختاری و وام خارجی، یکی از فعالیتهای دیگر کمیسیون، همکاریهای فنی و خدمات مشورتی است که در این ارتباط با همکاری کمیساریای عالی حقوق بشر به

کشورها کمک می کرد.^۱ قطع نظر از صلاحیتهای ذکر شده برای کمیسیون، اختیارات کمیسیون محدود باقی ماند و کمیسیون توان و صلاحیت اجرای تصمیمات خود را ندارد، توصیه های آن صرفاً در حد سفارش و خواهش هستند، ماموران کمیسیون هیچ اقتدار الزامی برای ورود به یک سرزمین و یا بازجویی از گواهان را نداشتند.^۲ در کمیسیون حقوق بشر، اخذ تصمیم، مبتنی بر رأی گیری و ملاک، رأی اکثریت است که معمولاً به شکل قطعنامه ارائه می شود، در حالی که در نهاد معاهدات، تصمیم گیری، مبتنی بر اجماع در بالاترین درجه ممکن است. در حالی که در کمیسیون حقوق بشر از حربه های تبلیغاتی در رویارویی با دولتها استفاده می شود و سیاست شرمنده سازی دنبال می شود، در نهادهای معاهدات ارتباط بر پایه گفتگوی سازنده و به دور از مناقشه و بدون تبلیغات است. به طور کلی، گفتگو از عملکردی مشورتی برخوردار است. هدف گفتگو در نهایت، تطابق با موازین بین المللی حقوق بشر است و اصل استماع مورد احترام است.^۳

بخش چهارم: تحلیل حقوقی روند شکل گیری شورای حقوق بشر

در هزاره جدید، بارها این سخن به گوش رسید که سازمان ملل در عرصه جهانی باید نیروی کارآمدتری در پیشبرد حقوق بشر باشد. در سال ۲۰۰۳ به دنبال ایجاد اختلافات بین المللی در مورد حمله آمریکا به عراق و به دلیل برداشت های کاملاً متفاوتی که در مورد این تجاوز آشکار به حقوق بین الملل مطرح شد، کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل هیأتی متشکل از شانزده دیپلمات و سیاستمدار را مأمور کرد تا تحت سرپرستی «آناند پانیا راجون»، نخست وزیر سابق تایلند پیشنهادهایی را برای اصلاح منشور ملل متحد ارائه کنند. این هیأت پس از مدت ها بحث

- شایگان، فریده، پیشین، ص ۱۶۸.

- ربکا، والاس، پیشین، ص ۲۹۹.

- شایگان، فریده، پیشین، ص ۱۷۵.

کارشناسی سرانجام طرح جامع خود را که شامل حداقل صد پیشنهاد اصلاحی بود، به دبیر کل سازمان ملل ارائه کرد. کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل بر اساس نتیجه کار کارشناسی این هیأت شانزده نفره، گزارش ۶۳ صفحه‌ای خود را درباره زمان ضرورت انجام اصلاحات اساسی در سازمان ملل انتشار داد. اصلاحات پیشنهادی عنان در ماه سپتامبر ۲۰۰۵ در اجلاس سران بررسی شد و سپس برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل ارجاع گردید.^۱ یکی از محورهای عمده اصلاحات جدید سازمان ملل در گزارش کوفی عنان «ایجاد شورای حقوق بشر» بود. ایده تشکیل شورای حقوق بشر سازمان ملل با هدف ارتقای نهاد مسؤول در سازمان ملل از سطح کمیسیون حقوق بشر به نهادی هم شأن شورای امنیت، برای نخستین بار از سوی «والتر کلین» یک کارشناس حقوقی سویسی مطرح و سپس از سوی کمیسیون اصلاحات حقوق سازمان ملل متحد پذیرفته شد.

بند اول: زمینه‌های تشکیل شورای حقوق بشر

تهیه کنندگان پیش‌نویس منشور ملل متحد می‌دانستند که مأموریت سازمان ملل متحد تنها در صورتی می‌تواند موفقیت آمیز باشد که به سه اصل اساسی صلح، توسعه و حقوق بشر و نیز به ارتباط میان این سه اصل توجه داشته باشد. حمایت جهانی از حقوق بشر یکی از موضوعات بنیادی عدالت است و لذا به خودی خود یک هدف می‌باشد. همچنین در راه نیل به هدف حفظ صلح و تعقیب سیاست توسعه عادلانه نیز یکی از عناصر کلیدی حمایت از حقوق بشر است. سازمان ملل متحد دستاوردهای اندکی در ارتباط با هر سه هدف داشته است زیرا در تحقق آرمانهای منشور ملل متحد با مشکلات بزرگی دست و پنجه نرم کرده است.

در زمینه حقوق بشر، فعالیت هنجار سازی سازمان ملل متحد خوب بوده است اما در زمینه حمایت از حقوق بشر، متأسفانه از ابتدای تشکیل ملل متحد نیز دستاورد بسیار ناچیزی داشته است. یکی از درس‌های عبرت تاریخی آنستکه باید مقابل طرف‌هایی قرار گرفت که مرتکب نقض فاحش حقوق بشر می‌شوند و نیز باید به قربانیان نقض حقوق بشر کمک کرد. بدین منظور، بازیگران اصلی جهان بویژه ایالات متحده آمریکا، طرفدار جایگزین نمودن شورای حقوق بشر (HRC) به جای کمیسیون حقوق بشر (CHR) شدند. شاید بتوان گفت مهمترین ارگان اجرایی و نظارتی حقوق حقوق بشر سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر بود که بر اساس ماده ۶۸ منشور ملل متحد و طبق قطعنامه شماره ۵ مورخ ۱۹۴۶ شورای اقتصادی و اجتماعی تاسیس شد و در سال‌های اخیر با تشکیل گروه‌های کاری مختلف و ایجاد سیستم گزارشگری شامل گزارشگران موضوعی و گزارشگران کشوری و وضعیت آنها در کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار می‌داد.^۱ اصلاحات در کمیسیون حقوق بشر^۲ به دوره اخیر بر نمی‌گردد، از مدت‌ها قبل اصلاح کمیسیون در دستور کار بوده است و کمیسیون همیشه موافق اصلاحات تدریجی و نه اصلاحات اساسی بوده است. بطور مثال عضویت در کمیسیون حقوق بشر به تدریج از ۱۸ نفر در سال ۱۹۴۶ به ۲۱ نفر در سال ۱۹۶۲ و به ۳۲ نفر در سال ۱۹۶۷ و به ۴۳ نفر در سال ۱۹۸۰ و در سال ۱۹۹۲ به ۵۳ نفر رسید و در هر دوره سعی بر این بود که تناسب جغرافیایی اعضا رعایت شود. این تغییرات همچنان ادامه داشت و در دستور کار کمیسیون حقوق بشر هم مشهود بود.^۳ تغییرات اساسی به تلاش‌های بی

^۱ - مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، (تهران، اطلاعات، ۱۳۸۶)، ص

۱۰۵-commission human rights(CHR).

۱۰۶-Warbrick, Colin, From UN Commission on Human Rights to UN Human Rights Council: on Steps Forward or Two Steps Sidways?, ICLQ VOL ۵۵, July ۲۰۰۶, pp ۶۹۵-۷۲۸, p. ۶۹۵.

نتیجه هوارد تولی^۱ در سال ۱۹۸۷ بر می‌گردد که نتوانست باعث توسعه نهادی کمیسیون حقوق بشر شود زیرا مخالفتها و ناسازگاری‌های بین جناح‌ها بسیار زیاد بود. اولین پیشنهاد اساسی برای تغییر در کمیسیون حقوق بشر ریشه در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ تحت عنوان آزادی بزرگتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه که در آوریل ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار گرفت. با ارزیابی تهدیدات در حال حاضر جهان در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی توصیه‌هایی برای تقویت سازمان ملل متحد در جهت افزایش امنیت دسته‌جمعی در قرن ۲۱ انجام شد.^۲ با ارزیابی تهدیدات در حال حاضر جهان در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی و ارزیابی سیاستها و نهادهای موجود برای مقابله با این تهدیدات، توصیه‌هایی برای تقویت سازمان ملل متحد در جهت افزایش امنیت دسته‌جمعی در قرن ۲۱ صورت گرفت. هدف اساسی از این اصلاح حفاظت از نقض‌های مستمر حقوق بشر بود.^۳ طرفداران اصلاح کمیسیون حقوق بشر و تبدیل آن به شورای حقوق بشر انتظار دارند که شورا، برخلاف کمیسیون، در ارتباط با ناقضان حقوق بشر عادلانه‌تر برخورد کند و فعالانه به اقداماتی دست زند که نه تنها باعث ارتقاء و پیشبرد حقوق بشر می‌شوند، بلکه از آن حمایت نیز بنمایند. جنبش جهانی حقوق بشر از شورای حقوق بشر انتظار دارد که به پرچمدار حمایت جهانی از حقوق بشر در کنار شورای امنیت سازمان ملل متحد تبدیل شود. دیدگاه غالب در میان اکثریت اعضای شورای حقوق بشر این بوده است که باید به موارد نقض حقوق بشر بیشتر پرداخته شود. این دیدگاه صراحتاً در سخنرانی مسعود خان سفیر پاکستان در اولین سالگرد تشکیل شورای حقوق بشر آمده بود. جگ گلدستون، در مقاله عمیقی که در نشریه فارین افیرز چاپ کرده است، به روندهای کلانی پرداخته که جهان را تا سال ۲۰۵۰ دگرگون خواهند کرد. وی تجزیه و تحلیل خود را براساس پیش‌بینی‌ها اداره جمعیت سازمان ملل

۱۰۷-Howard Tolly.

۱۰۸- Warbrick, Colin, op. Cit, p. ۶۹۸.

۱۰۹-Ibid. P. ۶۹۸.

متحد آغاز می‌نماید. مطابق این پیش‌بینی‌ها جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ ادامه می‌یابد و سپس در حد ۹ میلیارد و یک‌کصد و پنجاه میلیون تثبیت خواهد شد. اما به عقیده گلدستون، امنیت بین‌المللی در قرن بیست و یکم بیشتر متأثر از ترکیب و توزیع جمعیت در سرتاسر جهان است و به تعداد جمعیت کمتر مربوط می‌شود.

یعنی به شاخص‌هایی نظیر:

- در کدام نواحی جمعیت رو به کاهش است؟
 - در کدام مناطق جغرافیایی جمعیت در حال رشد است؟
 - کدام کشورها نسبتاً از نظر جمعیتی سالخورده‌تر هستند؟
 - کدام کشورها از نظر جمعیتی نسبتاً جوان‌تر هستند؟
 - چگونه مردم نگاری و میزان جمعیت باعث حرکت افراد میان مرزها خواهد شد؟^۱
- گلدستون در ادامه توضیح می‌دهد که اطلاعات و پیش‌بینی‌های جمعیتی سازمان ملل نشان می‌دهند که:
- ”چهار تغییر باعث خواهند شد در طی چهار دهه آینده، جمعیت جهانی عمیقاً متأثر شود:
- وزن جمعیتی نسبی کشورهای توسعه یافته جهان حدود ۲۵ درصد سقوط خواهد کرد و لذا باعث خواهد شد قدرت اقتصادی به ملل در حال توسعه منتقل شود.

^۱ Jack A. Goldstone, “The New Population Bomb: The Four Megatrends That Will Change the World,” *Foreign Affairs* ۸۹, No. ۱ (۲۰۱۰): Pp. ۳۱-۴۳.

- نیروی کار کشورهای توسعه یافته عمدتاً پیر شده و کاهش خواهد یافت و لذا این پدیده مانع رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در نتیجه باعث افزایش تقاضا برای نیروی کار مهاجر خواهد شد.

- بخش عمده‌ای از افزایش جمعیت جهان بطور فزاینده‌ای در فقیرترین و جوان‌ترین کشورهای مسلمان جهان متمرکز خواهد بود این جمعیت در عین حال بطرز نگران کننده‌ای فاقد آموزش و سرمایه و فرصت‌های شغلی کافی خواهند بود و برای اولین بار در تاریخ بشریت، اکثریت جمعیت جهان در مناطق شهری دنیا ساکن خواهند بود و لذا بزرگترین مراکز شهری جهان در فقیرترین کشورهای جهان خواهد بود که وضعیت حفظ امنیت و بهداشت و سلامت در آنها عموماً وخیم خواهد بود.^۱ گلدستون پیش‌بینی می‌کند که این روندهای جمعیتی در سطح جهان تاثیر زیادی بر کشورهای مسلمان خواهند گذارد. بیش از نیمی از کشورهایی که سریع‌ترین نرخ رشد جمعیت را دارند، یا کشورهایی با اکثریت مسلمان هستند و یا کشورهایی هستند که اقلیت مسلمان در آنها از کمیت قابل توجهی برخوردار است.^۲ از نظر گلدستون، لازم است روابط جوامع مسلمان با جوامع غربی بهبود داده شود. بهبود این رابطه بسیار مهم است بدلیل افزایش وزن جمعیتی کشورهای مسلمان فقیر و در نتیجه افزایش مهاجرت مسلمانان، بویژه به سوی اروپا از آفریقای شمالی و خاورمیانه. استراتژیست‌ها در سطح جهانی می‌بایست در نظر داشته باشند که جوانان جهان در این کشورهایی متمرکز هستند که کمتر آمادگی ارائه آموزش لازم و اشتغال به جوانان را دارند، به ویژه برخی کشورهای مسلمان. هرگونه فقر و تنش اجتماعی یا افراط گرایی ایدئولوژیک ناشی از

^۱۲- Stephen J. Flanagan and James A. Shear, "Strategic challenges: America's Global Security Agenda", Dulles, Va: Potomac Books, ۲۰۰۸, P.۳۲.

^۲۵- Ibid., P.۳۷.

آن می‌تواند آثار مخربی بر وضعیت چهار گوشه جهان داشته باشد.^۱ این واقعیت که شهرنشینی در جهان پیوسته در حال افزایش است، اینگونه خطرات را تشدید نیز می‌کند. برای اولین بار در طول تاریخ بشر، اکثریت جمعیت جهان بیشتر ساکن شهرها شده‌اند تا روستاها. و هر چقدر میزان شهرنشینی در کشورهای با جمعیت جوان، بیشتر شود به همان نسبت هم احتمال بروز فقر شدید و خشونت بیشتر می‌شود. آنطور که گلدستون می‌نویسد، در اغلب موارد، شهرهای فقیر و پر جمعیت در مقابل جانین، باندهای تبهکار، و شورشیان بی‌رحم آسیب پذیرترند. تروریسم بین‌المللی نیز از کشورهای در حال توسعه‌ای که به سرعت شهرنشینی در آن‌ها رشد می‌کند، نشأت می‌گیرد.^۲

بند دوم: تاسیس شورای حقوق بشر

کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود تحت عنوان "برای آزادی گسترده‌تر: پیش به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همگان" خواستار تأسیس شورای حقوق بشر از دول عضو سازمان بود.^۳ او ضرورت تأسیس شورا را با عبارات زیر تأکید نمود "اگر سازمان ملل متحد می‌خواهد انتظارات مردان و زنان را در همه جا برآورده سازد و مبانی حقوق بشر را با عزم و جدیتی در حد امنیت و توسعه مدنظر قرار دهد در این صورت دول عضو باید موافقت کنند تا شورای حقوق بشر محدودتری جایگزین کمیسیون فعلی حقوق بشر گردد." اما در سپتامبر ۲۰۰۵ دولتها با پیشنهاد ابتکاری کوفی عنان برای تأسیس نهادی که ارتقای سطح عضویت و مسئولیت را تضمین کند موافقت نکردند. یکی از دلایل شکست طرح درخواست تغییرات، در متن پیشنهادی از سوی دو کشور از بنام‌ترین کشورهای آفریقایی در نقض حقوق بشر یعنی سودان و زیمبابوه بود.

^۱ Ibid., P.۳۸.

^۲ Ibid., P.۳۹.

^۳ www.un.org.(A ۱۵۹۱-۲۰۰۵-Mars-۲۱); Visited on ۱۰ May ۲۰۱۲.

قطعنامه ۲/۲۰۰۶ اکوسوک خاطر نشان می‌کرد که قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مورخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع، عطف به کلیه گزارشهای ارائه شده به شورای حقوق بشر برای بررسی بیشتر در اولین اجلاس ژوئن ۲۰۰۶ با ابراز تشکر و قدردانی از کلیه کسانی که طی ۶۰ سال حیات کمیسیون و حمایت از حقوق بشر گام برداشتند تصمیم به پایان دادن فعالیت کمیسیون طبق قطعنامه فوق‌الذکر بود. اطلاعیه رسمی مارس ۲۰۰۶ تحت عنوان تشکیل شصت و دومین و بعبارتی آخرین اجلاس کمیسیون حقوق بشر بود. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد^۱ در پانزدهم ماه مارس سال ۲۰۰۶ با قطعنامه‌ی A/RES/۶۰/۲۵۱ جایگزین نهاد سابق «کمیسیون حقوق بشر» این سازمان شد تا به عنوان مهمترین رکن، تمام مسائل مربوط به حقوق بشر را پیگیری کند. این تغییرات بر اثر انتقاداتی به وقوع پیوست که امکان رسیدن سازمان ملل را به اهداف حقوق بشری خود ناتوان کرده بود، چرا که در اصلی‌ترین رکن این سازمان درباره‌ی حقوق بشر، کشورهای عضویت داشتند که خود کمترین التزامی به مبانی حقوق بشر نداشتند. این اعتراضات به خصوص با ریاست لیبی بر این شورا به اوج خود رسید. از این رو تحقیقاتی از سوی دبیرکل برای اصلاح ساختار این سازمان انجام شد. این تحقیقات که از سال ۱۹۹۷ آغاز شده بود، سرانجام در ابتدای سال ۲۰۰۶ به مجمع عمومی ارائه شد و به تأسیس این شورا انجامید. قطعنامه مجمع عمومی به شماره ۶۰/۲۵۱ که در سوم آوریل ۲۰۰۶ با رای مثبت ۱۷۰ کشور به تصویب رسید. تنها مخالف جدی آن ایالات متحده در کنار اسرائیل، جزایر پالاو و مارشال بودند. سه کشور ایران، بلاروس، ونزوئلا نیز رأی ممتنع دادند، مخالف جدی آمریکا بود اما این مخالفت نتوانست مانع از ایجاد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به عنوان رکن فرعی مجمع عمومی شود بر خلاف کمیسیون حقوق بشر که رکن فرعی وابسته اکوسوک یا شورای اقتصادی و اجتماعی بود.^۱ کمیسیون حقوق بشر بوا سطره برخی از

۱۲۹- Upton, Helen, The Human Rights Council: First Impressions and Future Challenge, Human Rights Law Review ۷:۱(۲۰۰۷), ۲۹-۳۹, p۳۰.

مشکلات مانند محدودیت زمانی جلسات و امکانات محدود (مانند دسترسی به اتاق جلسات و تفسیر گزارشات) نتوانست به درستی به اهداف خود برسد. بنابراین یک برنامه در حال گسترش برای کمیسیون پیش بینی شد. در دهه ۱۹۹۰ فقط کمیسیون به بحث های رویه ای می پرداخت بدون اینکه عملاً حرکت اصلاحی واقعی در آن صورت گیرد، این وضعیت کمیسیون را دچار رکود شدیدی کرد. افزایش تعداد تشکل های گروهی مانند گروه ۷۷ و جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی در برابر سیاست های اتحادیه اروپا یا همان بلوک غرب موجب افزایش جو قطبی گرایی در حقوق بین الملل شد.^۱ امروزه در جهان معاصر بیش از هر چیز بر ضرورت نظارت بین المللی بر اجرای حقوق بشر تاکید می شود. نظام بین المللی حقوق بشر امروزه نیازمند تضمین اجرای قواعد است. در بعد استاندارد سازی به غنایی نسبی دست یافته و با هنجارهای ماهوی بسیاری در سطح جهانی و منطقه ای مواجه هستیم اما با تضمین اجرای این قواعد و استانداردها هنوز فاصله داریم.^۲ طبق قطعنامه شماره ۶۰/۲۵۱ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در حکم سند موسس شورا بشمار می رود شورای حقوق بشر از سه طریق بر اجرای حقوق بشر در سطح جهان نظارت می کند:

۱- سیستم نظارت ادواری جامع و جهانی ۲- توجه و بررسی وضعیتهای متضمن نقضهای فاحش و سیستماتیک حقوق بشر ۳- بررسی دیگر وضعیت های مشتمل بر نقض حقوق بشر. بر این اساس شورای حقوق بشر بر طبق اطلاعات عینی و موثق در مورد اجرای تعهدات و الزامات ناشی از حقوق بشر توسط هر دولت به صورت ادواری در سطح جهان به بررسی می پردازد تا فراگیری و

^۱ Schrijver, Nico, The Human Rights Council: a new * Society of the Committed* or Just Old Wine in New Botteles ? Leiden Journal of International Law, ۲۰(۲۰۰۷), pp. ۸۰۹-۸۲۳, p. ۸۱۲.

- زمانی، قاسم، سخنرانی در خصوص پرونده حقوق بشری امریکا در شورای حقوق بشری سازمان ملل متحد،^۲ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۸ دیماه ۱۳۸۹.

جهانی بودن سیستم نظارت خود و رفتار یکسان با تمام کشورها را تضمین نماید. شورا در اولین اجلاس خود که از ۱۹ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۶ در ژنو تشکیل گردید تمام آئینهای ویژه کمیسیون حقوق بشر سابق را تمدید کرد.^۱

بند سوم: موضع گیری کشورها در قبال شورای حقوق بشر

نشستهایی که به ابتکار و هدایت رئیس مجمع عمومی سازمان ملل برای گفتگو و بررسی پیرامون زوایای گوناگون شورای حقوق بشر برگزار شد و سرانجام به صدور قطعنامه ۶۰/۲۵۱ رسید با بگو مگو و اختلاف نظرهای اعضای سازمان ملل بویژه کشورهای غربی و کشورهای در حال توسعه همراه بود. هرچند در درون این دسته‌بندی کلی مواضع تک تک کشورها نیز تفاوتی با هم داشت.

الف) موضع کشورهای غربی

غرب معتقد بود کمیسیون حقوق بشر هنوز نتوانسته در بحث مفهوم‌سازی میان حقوق بشر و امنیت رابطه برقرار کند، یعنی ارتباطی میان حقوق بشر با مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی برقرار نگردیده است. ایجاد ارتباط میان این دو مقوله در کمیسیون برای آمریکایی‌ها بسیار مهم بود. در گزارش دبیر کل نیز این خواسته غربی‌ها به صورتی بسیار پررنگ آمده است. گزارش دبیر کل می‌گوید: "حقوق بشر با صلح، امنیت بین‌المللی و توسعه ارتباط وسیعی دارد و این سه محور، اساس کار نظام جهانی هستند. این سه با یکدیگر مرتبطند و بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. حقوق بشر بدون

۱- والاس، ربکا، پیشین، ص ۲۹۹.

توسعه معنا ندارد و امنیت بدون حقوق بشر و حقوق بشر بدون امنیت، معنی پیدا نمی‌کند.^۱ هیأت منتخب دبیر کل نیز به این خواسته غربی‌ها توجه کرده و به خصوص دو مفهوم ذیل را در گزارش خود برجسته نموده است :

الف) حق حمایت: بدین معنا که اگر در داخل کشوری افراد و گروه‌ها به کمک بشردوستانه نیاز داشته باشند و دولت متبوع شان نتواند به آنها کمک کند، سازمان ملل متحد و یا حتی کشورهای دیگر می‌توانند بدون اجازه آن کشور، به افراد و گروه‌های مذکور کمک کنند. به نظر می‌رسد این حق، به معنای دخالت مستقیم در اوضاع امنیتی یک کشور و از بین بردن قبح دخالت در امور داخلی دیگر کشورهاست؛

ب) امنیت انسانی: بدین معنا که انسان‌ها باید در درون کشورشان امنیت داشته باشند و اگر دولت متبوع شان نتواند امنیت آنها را فراهم کند، جامعه بین‌المللی حق دارد در آن کشور دخالت امنیتی کند.

غرب معتقد بود کمیسیون حقوق بشر نتوانسته ساختارهای نظارتی را تا آن حد کارآمد سازد که نتیجه مطلوب به دست آید. آمریکا و اروپا برای تحقق جنبه‌های نظارتی دستور کار خاص خود را که تأمین‌کننده منافعشان بود، مدنظر داشته و قصد داشتند دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر را به صورت یک مرکز نظارتی در آورند تا بتوانند بر کشورهای نظارت کنند که بر سر راه تأمین منافع غرب و نظم موجود اختلال ایجاد می‌کنند. کشورهایی نظیر ایران، سوریه، کوبا، زیمبابوه و غیره در زمره این کشورها قرار دارند.^۲ سومین عامل نارضایتی غرب و آمریکا از کمیسیون حقوق بشر،

۱- نشست تخصصی تشکیل شورای حقوق بشر: فرصتها و تهدیدها برای ایران، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی

، گروه مطالعات مبانی سیاست خارجی ج.ا.ا. ۱۳۸۵.

۲- نشست تخصصی تشکیل شورای حقوق بشر، پیشین.

عدم امکان طرح دعوا علیه کشورهای مورد نظر بود. به عبارت دیگر، غربی‌ها معتقد بودند قطعنامه‌های تصویب شده در کمیسیون حقوق بشر ضمانت اجرا ندارند. غربی‌ها در پی این بودند که با برقراری ارتباط میان نقض حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی، زمینه را برای طرح دعوا علیه کشورهای نقض‌کننده این حقوق در شورای امنیت فراهم کنند. مشکل از اینجا ناشی می‌شد که به محض اینکه قطعنامه‌ای در کمیسیون مطرح می‌شد گروه‌های داخل کمیسیون (مثلاً گروه آفریقا و گروه آسیا) با هم متحد می‌شدند و از کشور هدف که متهم به نقض حقوق بشر بود، حمایت می‌کردند و قطعنامه از همان ابتدا امکان طرح پیدا نمی‌کرد. در چندین مورد چنین وضعیتی پدید آمد. برای مثال، قطعنامه‌هایی که علیه زیمبابوه، سودان و بلاروس تهیه شد، امکان طرح در کمیسیون پیدا نکرد، لذا در گزارش هیأت منتخب دبیرکل برای شورای حقوق بشر دو پیشنهاد مطرح شده است. با اینکه ایالات متحده آمریکا از بازیگران اصلی روند اصلاحات کمیسیون حقوق بشر بود. ولی سیاست دوگانه‌ای در پیش گرفت. اگر چه کشورهای گروه غرب و همفکران آن تلاش زیادی در جهت تحقق نهایی محورهای مورد نظر خود در شکل و محتوای شورای حقوق بشر به عمل آوردند که در برخی زمینه‌ها موفق و در برخی نیز با ناکامی مواجه شد، معه‌ذا مساعی مشترک کشورهای در حال توسعه نیز فرصت‌هایی را در قالب شورای حقوق بشر ایجاد کرده است که مهم‌ترین آن عبارتند از :

با تلاش‌های به عمل آمده، انتقادات و اعتراضاتی که همواره نسبت به عملکرد کمیسیون حقوق بشر وجود داشته و در مناسبات‌های مختلف مطرح می‌شد در قالب مفاهیمی و تعابیری همچون اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیشینه‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی، تقویت گفتگو و گسترش تفاهم میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و مذاهب، تضمین جهانشمولی، بیطرفی، عینی‌گرایی، گفتگو، همکاری سازنده بین‌المللی، عدم برخورد گزینشی، حذف استانداردهای دوگانه و

سیاست زدگی و تضمین بهره‌مندی از همه حقوق بشر شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و از جمله حق توسعه در چارچوب قطعنامه تاسیسی شورای حقوق بشر گنجانده شده و مورد تاکید و تصریح قرار گرفت که از این حیث موفقیت قابل توجهی به شمار می‌رود.

(ب) موضع کشورهای در حال توسعه

یکی از دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه، امنیتی شدن مسئله حقوق بشر و یا به عبارت دیگر ایجاد ارتباط بین نقض حقوق بشر و به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، براساس رهیافت مذکور، غرب پس از دوران برخورد سیاسی با مسئله حقوق بشر، هم اکنون به دنبال برخورد امنیتی با این قضیه می‌باشد، ایجاد ارتباط میان مفاهیم توسعه، صلح و امنیت و حقوق بشر و امنیتی ساختن فضای حاکم بر نظارت بر وضعیت حقوق بشر در کشورها، تلاش در جهت القاء و تثبیت موضوع حق حمایت^۱ که براساس آن اجازه مداخلات خارجی در خصوص حمایت از حقوق بشر فراهم می‌شود، تاکید بر مفهوم «امنیت انسانی»^۲ و ترویج آن در همین چارچوب قرار دارد. با توجه به تصریح رسیدگی به وضعیت‌های ناقض حقوق بشر در قطعنامه و تشدید ابعاد نظارتی شورا، دوره دشوارتری برای کشورهای متهم به نقض حقوق بشر پیش‌بینی می‌شود. این امر به ویژه با توجه به تلاش‌های انجام شده در جهت ایجاد ارتباط میان حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی حائز اهمیت ویژه خواهد بود. برگزاری نشست شورای امنیت جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در میانمار که اخیراً صورت گرفت، سرآغاز چنین روندی محسوب می‌شود.^۳

^{۱۳۸}-Protection Right.

^{۱۳۹}- Human Security

^{۱۴۰}-<http://www.farsnews.agency.ir>. visited at: ۴ mar ۲۰۱۲.

کشورهای در حال توسعه خواستار گنجانده شدن حق توسعه در چارچوب صلاحیتهای شورای حقوق بشر بودند، اما کشورهای غربی بیشتر بر اعمال صلاحیت آن بر حقوق مدنی و سیاسی تأکید داشتند. سرانجام نظر کشورهای در حال توسعه سازمان ملل در جستجوی صلح و امنیت بی‌توجه به ارزشها نیست، بلکه خواهان صلح و امنیتی است که بر پایه حقوق بشر استوار باشد. افزون بر این سازمان ملل در پی هرگونه توسعه نیست، بلکه در پی توسعه پایدار است که بازتاب محوریت فرد باشد. پس، پشتیبانی از حقوق بشر در چارچوب سازمان ملل یک موضوع حاشیه‌ای نیست بلکه هدف اصلی این سازمان است و با مسائل امنیتی و اقتصادی و دیگر موضوعات بنیادی پیوند دارد. ایجاد چنین ارتباط خطرناکی میان حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی در آینده مشکلات عدیده‌ای را برای کشورهای خارج از مدار قدرت جهانی که عمدتاً به نقض حقوق بشر نیز متهم می‌شوند، فراهم ساخته و باعث خواهد شد تا به اندک بهانه‌ای وضعیت این قبیل کشورها به شورای امنیت ارجاع شده و مورد رسیدگی امنیتی قرار گیرند که طبعاً پیامدهای آن ناگوار خواهد بود.

بخش پنجم: اعتبار تصمیمات شورای حقوق بشر

تمام مراحل رسیدگی در شورای حقوق بشر تا زمانی که پرونده به مجمع عمومی ارجاع نشده، به صورت محرمانه می‌باشد. در این مرحله برعکس، ۱۹۷۸، رئیس کمیسیون حقوق بشر و امروزه رئیس شورای حقوق بشر به افشای نام کشوری که پرونده اش مطرح شده، می‌پردازد. بدین ترتیب، مجموعه‌ای از موارد نقض حقوق بشر می‌تواند در صورتی که موضوع قبلاً حل و فصل نشده باشد، به وسیله شورای حقوق بشر سازمان ملل در مجمع عمومی آن سازمان مطرح شود. شورای حقوق بشر در کنار ارایه توصیه‌هایی به کشورها به منظور ارتقا و دفاع از حقوق بشر، و تقاضا از مجمع عمومی جهت صدور توصیه‌هایی با هدف توسعه حقوق بین‌الملل در تمام زمینه‌های حقوق بشر، در مواردی که نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر از طرف کشور یا کشورهایی

صورت گرفته باشد، اقدام به اتخاذ تصمیم در قالب توصیه به کشور مربوطه می نماید.^۱ همچنان که تصمیمات شورای حقوق بشر به صورت توصیه صادر می شوند. اگر چه از نظر حقوقی توصیه دارای ماهیت الزام آور نبوده و طرفی که بر ضد آن چنین تصمیمی اتخاذ شده می تواند آن را رعایت ننماید، ولی با توجه به ذیل بند ۳ قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی مورخ ۳ آوریل ۲۰۰۶ که به موجب آن "شورا می تواند سعی در هماهنگ نمودن فعالیت های سیستم حقوق بشر سازمان ملل به نحوی که مسایل حقوق بشر به صورت سیستماتیک از جانب تمام ارگانسم های سیستم مورد لحاظ قرار گیرد، نماید". چنین استنباط می شود که در صورت نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر از جانب هر کشوری و عدم توجه آن به توصیه های شورای حقوق بشر، شورا می تواند مستندا به بند ۳ ماده ۱۱ منشور از طریق عمومی به طرح موضوع در شورای امنیت سازمان ملل پردازد. شورای امنیت نیز پس از طرح موضوع می تواند در قالب فصل هفتم منشور به ارایه توصیه و نهایتا به اتخاذ تصمیمات الزام آور بر ضد کشور مربوطه پردازد.^۲ با توجه به اینکه ماهیت اقدامات شورای حقوق بشر جنبه الزام آوری ندارد این سوال مطرح می شود که صرف غیر الزام آور بودن توصیه ها مانع مسوولیت بین المللی دولت ها در قبال نقض حقوق بشر است؟ تاریخ نشان داده است که غرب و بخصوص آمریکا با مقوله حقوق بشر برخوردی سیاسی و دوگانه داشته اند و اینکه ضمانت اجرای حقوق بشر نیز به نوبه ای در دستان این کشورهاست، باید گفت که در ضمانت اجرای حقوق بشر همچنان تردید وجود دارد و اما مقوله اعضا شورا که مسئول جلوگیری از اعمال سیاست های دوگانه شورا می باشند نیز بیانگر همین نگرانی کشورهای مستقل و تمامی صاحب نظرانی است که در تحقق حقوق بشر تلاش می نمایند

^۱ - تقی زاده انصاری، مصطفی، پیشین، ص ۱۳۶-۱۳۷.

^۲ - تقی زاده انصاری، مصطفی، پیشین، ص ۱۳۶-۱۳۷.

اگرچه برخی قواعد فاقد الزام حقوقی هستند، با این حال آن ها اغلب در عمل از قواعد مشابهی که الزام حقوقی دارند موثرتر هستند و این نمونه های «حقوق نرم» به اندازه قواعد الزام آور حقوقی در رسیدگی و پاسخ به نیازهای جامعه بین المللی موثرند.^۱ باید پذیرفت که پاسخگو بودن، مفهومی کاملاً حقوقی نیست. واژه های «responsibility» مسئولیت در قبال اعمال منع شده و «liability» مسئولیت در قبال اعمال منع نشده، اصطلاحات پیشنهادی از سوی حقوقدانان برای توصیف وضعیتی است که در آن، یک شخص یا یک موجودیت در مقابل قانون پاسخگو است. اما با وجود این، واژه «پاسخگو بودن» برای در بر گرفتن سازو کارهای متعددی که می تواند برای کنترل اعمال بازیگران بین المللی مورد استفاده قرار بگیرند، مناسب به نظر می رسد. معیارهایی که چنین ارزیابی های در مورد آن ها انجام می پذیرد بی شمارند و همه آن ها هم در چارچوب حقوق قابل بررسی نیستند. اگر تصور کنیم که پاسخگو بودن، متمایز از مسئولیت حقوقی است ره به خطا برده ایم. مسئولیت حقوقی، مناسب ترین شکل پاسخگو بودن برای برخی از بازیگران از جمله دولت ها، سازمان ها و اشخاص بین المللی است.^۲

بخش ششم: بررسی اجمالی بر معایب شورای حقوق بشر

در دومین جلسه UPR روندی ظهور کرد، کشورهای کوچکتر کمتر به گفتگوهای متقابل با کشورهای دیگر به غیر از منطقه خودشان تمایل داشتند. کشورهای آفریقایی به استثنای مراکش، مصر، الجزایر و تا اندازه ای هم تونس فقط مایل به گفتگوهای متقابل با سایر کشورهای آفریقایی بودند. این مساله بطور مشابه برای کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای حوزه کارائیب و گروه

۴۱- Andrea Bianchi, "Looking Ahead: International Law's Main Challenges", in Routledge Handbook of International Law, edited by David Armstrong, (New York: Routledge, ۲۰۰۹), pp. ۳۹۲-۴۰۹, p. ۴۰۳.

۴۲- Andrea, Bianchi, op, cit, p, ۴۰۸.

آسیا نیز مصداق داشت. و در این بین فقط کشورهای اتحادیه اروپا تمایل داشتند بطور مساوی با سایر کشورهای دنیا گفتگوهای تعاملی داشته باشند. و این حاکی از آن است که کشورهای یک منطقه تمایلی به اتفاقات حقوق بشری سایر مناطق ندارند. در بررسی دوره ای وضعیت هر کشور تحت اصول همکاری دولت ها در حقوق بین الملل دولت ها هیچگونه الزامی در پاسخ به پرسشهای مطروحه ندارند.^۱ اعضای شورای امنیت و سازمانهای غیر دولتی و ناظران، بی درنگ به واقعیت بی رحم دیپلماسی چندجانبه اشاره کرده اند. شورای جدید برخی از معایب کمیسیون سابق را به ارث برده است و هنوز هم در ایجاد حقوق انتزاعی و واقعی ملموس برای قربانیان نقض حقوق بشر ناموفق بوده است. حق شرطهای فوری کشورهای غربی بطور ملموس در هر جلسه شورا احساس می شود. بطور مثال: ادا و اصول کشورهای غربی وقتی که ایران سوئد را به خاطر نقض حقوق زنان محکوم می کند و یا وقتی که کوبا در مورد اهمیت استقلال جامعه مدنی صحبت می کند امری غیر معمول نیست. با تکرار حوادثی از این دست، آمریکا شورا را متهم به جانبداری و سیاست بازی می کند و خواستار خروج از شورای حقوق بشر می باشد.^۲ حضور سازمانهای غیر دولتی در جلسات UPR از جمله مواردی است که مورد اعتراض کشورها واقع شده است، بسیاری خواستار محدودیت حضور سازمانهای غیر دولتی در جلسات UPR بودند. تا جائیکه رئیس شورا دستور داد که سازمانهای غیر دولتی باید در ارائه گزارشات خود به مفاد قطعنامه ۵/۱ پای بند باشند و کلیه مدارک مربوطه باید کاملاً مستدل و روشن باشد.^۳ این امر فقط مختص سازمانهای غیر دولتی نبود و سازمانهای دولتی هم به آن مبتلا بودند و بطور مثال نفوذ ناروای سازمان های دولتی مانند کنفرانس اسلامی به رهبری پاکستان و گروه آفریقا به رهبری مصر در شورای حقوق بشر، اغلب

^۲ ۴۷- Gareth Sweeney, Yuri Saito, OP, Cit, p. ۲۱۰.

^۳ ۴۸- Besant, Alexander, Malo, Sebastien, Dim Prospect for the United Nations Human Rights Council, Yale Journal of International Affairs Commentary, ۲۰۹, pp. ۱۴۴-۱۴۷, p. ۱۴۴.

^۴ ۴۹- Gareth Sweeney, Yuri Saito, OP, Cit, p. ۲۱۶.

حامیان خود را ترغیب می‌کردند که بر اساس همبستگی و دوستی و یا منافع ملی خود به جای اصول اساسی حقوق بشر رای دهند.^۱ انتخاب ماه می ۲۰۰۸ برای ورود اعضای جدید به شورای حقوق بشر حاکی از آن بود که تقسیم کرسی‌ها بدون تغییر باقی ماند. تقسیم کرسی‌ها در امتداد همان خطوط منطقه‌ای و اجتماعی و اقتصادی کمیسیون سابق بود.^۲ در جلسه دهم شورا در ماه مارس ۲۰۰۹ وقتی دو کشور جمهوری دموکراتیک کنگو و ترکمنستان ناقضین فاحش حقوق بشر شناخته شدند، توانستند با تاکتیک‌های رویه‌ای غیر مستقیم و با دشمنی آشکار به رای خاص کشورهای در حال توسعه از بررسی‌های دقیق شورا شانه خالی کنند.^۳ یکی از دیگر از نکات منفی سند تاسیسی شورای حقوق بشر ابقاء وضعیت حقوق بشر کشوری در کنار UPR است. بر این اساس شورای حقوق بشر وظیفه ایجاد ماموریت‌های جدید و یا تمدید وضعیت‌های کشوری گذشته و یا توقف آنها را عهده‌دار است. باید توجه داشت که در قطعنامه برپایی شورای حقوق بشر ساز و کار روشنی برای سنجش اندازه‌پذیری یک کشور به حقوق بشر پیش‌بینی نشده است و از این رو کشورهای عضو سازمان ملل هر یک باید بر پایه دیدگاه‌های ویژه خود وضع حقوق بشری کشورهای نامزد عضویت را بررسی کند و بر پایه همین دیدگاه نیز رأی دهد. پیش‌بینی نشدن معیارهای روشن برای سنجش وضع حقوق بشری نامزدان عضویت، ناشی از اختلاف نظر کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بر سر تعیین و تعریف معیارها بود. در سایه همین کاستی در قطعنامه بود که سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی همچون عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر مجموعه اطلاعاتی را بر پایه معیارهایی که خود مهم می‌دانستند درباره کشورهای نامزد عضویت فراهم آوردند تا اعضای سازمان ملل با بررسی این اطلاعات به کشوری که شایسته‌تر برای

۱۴۵. -Besant, Alexander, Malo, Sebastien. Op, Cit, p. ۲۵۰.

۲۵۱. -Ibid, p. ۱۴۴.

۲۵۲. Ibid.

عضویت است رأی دهند. برای نمونه دیده بان حقوق بشر پایگاهی اینترنتی طراحی کرد و پیشینه حقوق بشی کشورهای نامزد در ابر پایه معیارهای پنجگانه زیر در آن قرار داد:

۱- گزارشهای دیده بان حقوق بشر درباره رفتارهای نامناسب هریک از کشورهای نامزد عضویت در شورا، در زمینه حقوق بشر:

۲- گفته ها و تعهدات اعلام شده از سوی دولت نامزد و بیانیه های آن که به هنگام تصویب قطعنامه برپایی شورا در مجمع عمومی منتشر شده بود:

۳- اینکه آیا کشور نامزد، پیمانهای حقوق بین الملل بشر را تصویب کرده است یا نه:

۴- اینکه آیا دولت نامزد تاکنون از بازرسان حقوق بشر سازمان ملل برای دیدار از کشور خود دعوت رسمی کرده است یا نه؛

۵- اینکه وضع رأی دهی دولت نامزد به ۱۰ قطعنامه آخر پیرامون حقوق بشر در مجمع عمومی چگونه بوده است و اگر کشور نامزد به تازگی عضو کمیسیون حقوق بشر بوده، وضع رأی دهی اش درباره ۱۶ قطعنامه آخر مربوط به حقوق بشر در مجمع عمومی چگونه بوده است.^۱

نقض گسترده حقوق بشر و آزادی های بنیادین و عدم همکاری لازم و مستمر با UPR می تواند منجر به پیشنهاد صدور قطعنامه کشوری و متعاقباً تعیین گزارشگر ویژه کشوری شود. یکی از تهدیدهای عمده شورای حقوق بشر، در انزوا قرار گرفتن کشورهای هدف در فرآیند تصمیم سازی بین المللی است که با هدف جلوگیری از مشارکت این گونه کشورها در راستای

- مهدویان، حسن، برپایی شورای حقوق بشر: گام نخست در اصلاح ساختار سازمان ملل متحد، مجله اطلاعات^۱ سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۳-۲۲۴، صص ۹۰-۱۰۱، ص ۹۹.

زمینه سازی برای اجرای تهدید استراتژیک صورت و از طریق اقداماتی همچون، معیار گذاری برای عضویت در شورای حقوق بشر و پیش‌بینی تعلیق عضویت کشورهای عضو شورای صورت خواهد پذیرفت. در نهایت رئیس شورای حقوق بشر در گزارش خود به مجمع عمومی، پایان فرایند بررسی دوره ای جهانی (Universal Periodic Review) انجام شده در خصوص وضعیت حقوق بشر در کشورهای عضو ملل متحد در سال گذشته فرصت ارزشمندی برای ارزیابی عملکرد و اثر گذاری خود قلمداد نمود. نکته مثبت دیگر این فرایند مشارکت نهادهای ملی حقوق بشری بود که سهم عمده ای در بهبود وضعیت های مورد نظر بر عهده داشتند. وی همچنین از آیین های ویژه شورا از جمله گزارشگران و کارگروه ها به عنوان چشم و گوش نظام حقوق بشر یاد می کند و آنان را دارای نقشی کلیدی در حمایت و ترویج حقوق و آزادی های بنیادین می داند. نمایندگان دولت ها نیز در مجمع عمومی اعلام کردند که در طول عمر پنج ساله خود شورای حقوق بشر توسعه چشمگیری یافته و در توسعه هنجارها و استانداردهای حقوق بشری مشارکت داشته است. با این حال، نهاد مزبور باید از سیاسی کاری ها اجتناب ورزیده و مسیر خود را در راه بررسی وضعیت های حقوق بشری در سراسر دنیا ادامه دهد.^۱

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت امروزه با تحول در مفهوم حقوق بشر این حقوق به عنوان "میراث مشترک جهانی" شناخته شده است و حتی آن را "حقوق بین الملل کرامت انسانی" نامیده اند. در ساختار حقوق بین الملل حمایت از حقوق بشر و تدوین و اجرای این حقوق به دولت ها سپرده شده است و با توجه به برخورد حاکمیت دولت ها با حقوق بشر روند

^۱ <http://www.un.org/News/Press/docs/۲۰۱۱/ga۱۱۱۶۷.doc.htm>. General Assembly/GA/۱۱۱۶۷.

حرکت در این زمینه روندی کند، گزینشی و یک جانبه گرایانه بوده و متأسفانه این دغدغه مهم به عنوان ابزاری برای رسیدن به مطامع سیاسی قدرتهای بزرگ قرار گرفته است. تردیدی نیست که نفس حقوق بشر مقدم بر قانون است و می بایست از طریق اجرای قانون حمایت شود. اما از آنجا که دولتهای حاکم از یک سو واضح قواعد و مقررات بین المللی حقوق بشر و از سوی دیگر تابع قوانین آن شناخته می شوند و باید روند اجرای مقررات آن را به اراده خود تعیین کنند، شاهد تفسیرهای گوناگون و ناسازگار در مفاهیم حمایت از حقوق بشر و حاکمیت دولتها در مقوله حقوق بین الملل هستیم. طرح شورای حقوق بشر را می توان آزمونی مهم پیش روی سازمان ملل متحد دانست. بر این اساس بهتر مشخص خواهد شد. که کشورهای جهان تا چه حد خواهان بهبود وضعیت حقوق بشر هستند. تشکیل شورای حقوق بشر، نقش جدی تری به سازمان ملل در پی گیری خواست های خود از دولت ها می دهد. اما هنوز نمی توان پاسخ واضح و مشخصی به این سؤال داد که شورای حقوق بشر چه مزایا و برتری هایی بر کمیسیون حقوق بشر فعلی خواهد داشت؟ پس از تشکیل شورا باید دید آیین نامه های داخلی شورا به چه صورت تنظیم و تصویب می شود که بعضی از کشورها نتوانند با توسل به آن آیین نامه ها خود را از کنترل شورای حقوق بشر آینده خارج بکنند. مکانیسم بازنگری پس از پنج سال نیز بطور احتمالی عملکرد شورا را ارزیابی می نماید. در نظر داشته باشیم که کمیسیون حقوق بشر هم طی سال های حیات خود، به تدریج حوزه فعالیت ها و اقدامات خود را گسترش داد، ساختار خود را تعدیل نمود و تحولات را به خود پذیرفت. اما در مجموع، اگر شرایط مناسبی برای عملکرد شورای حقوق بشر فراهم نشود، این احتمال مطرح می شود که شورای جدید هم نظیر ساختار کمیسیون حقوق بشر موفقیت چندانی نداشته باشد. نهایتاً باید اذعان داشت کشورها با تشکیل نهاد های ملی در زمینه حقوق بشر می تواند زمینه های مناسبی برای حفاظت از حقوق بشر را نیز فراهم کنند که این امر هم با همکاری دولتها و

همه افراد درگیر در مسائل حقوق بشری محقق خواهد شد. که این امر می‌تواند زمینه‌های پیوستن کشورها به کنوانسیونهای بین‌المللی را محقق کند.

منابع و مآخذ

الف) کتب فارسی

- ارفعی، عالیه، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین المللی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲).
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، اسلامی، چ ششم، ج ۴، تهران، ۱۳۶۴.
- جعفری، محمد تقی. تحقیقی در دو نظام حقوقی جهان بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- حمیدی، علی، سیر تکاملی حقوق در بریتانی، (تهران، نشر سحاب، ۱۳۷۴).
- دومینک کارو و دیگران، مباحثی از حقوق بین الملل اقتصادی، مترجم محمد امامی تالارمی، تهران، انتشارات واحد امور اقتصادی و بین المللی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۶۷.
- ذاکریان، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱.
- ذوالعین، پرویز، مبانی حقوق بین الملل عمومی، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۳۰۱. سوم، ۱۳۸۴.

- شایگان، فریده، دیگران، تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، زیر نظر جمشید ممتاز، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲.
- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، چاپ پنجم، (تهران، نشر قومس، ۱۳۸۳).
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، دانشکده علوم اداری، چ سوم، ۱۳۴۷، ج ۱.
- منصوری، لاریجانی، اسماعیل، سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی حقوق بشر در اسلام، (تهران، انتشارات تابان، ۱۳۷۴)،
- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
- مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، (تهران، اطلاعات، ۱۳۸۶).

ب) مقالات فارسی

- آقای، سید داوود، کارنامه کمیسیون حقوق بشر؛ درباره ایران (پس از انقلاب اسلامی)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، ۱۳۸۲، صص ۱۱-۳۵.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۳، ۱۳۸۷، صص ۱۱۷-۱۴۱.
- خوزه جیل، آمپاروسان، مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال نقض حقوق بشر، ترجمه: ابراهیم بیک زاده، مجله تحقیقات حقوقی؛ شماره ۲۹-۳۰.

- صص ۲۵۳-۳۰۸.
- ذاکریان، مهدی، جهانشمولی حقوق بشر در نظام نوین بین المللی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۸، ۱۳۷۷، صص ۹۵-۱۱۰.
- رضوانی، سید حسین، طرح و تصویب دو قطعنامه در زمینه حقوق بشر و تحریم های یکجانبه به ابتکار ایران، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۳، ۴، ۱۳۷۵، صص ۱۹۳-۱۹۴.
- رضوی فرد، بهزاد، جنگ ۲۲ روزه غزه در آینه حقوق بین الملل کیفری با نگاهی به گزارش گلدستون، مجله حقوقی بین المللی، سال بیست و هفتم، شماره ۴۳، ۱۳۸۹، صص ۲۲۳-۲۰۳.
- سادات اخوی، سید علی، پیش نویس پروتکل اختیاری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (۴ آوریل ۲۰۰۸)، فصلنامه حقوق، شماره ۴، ۱۳۸۷، دوره ۳۸، صص ۲۲۲-۲۲۳.
- سادات اخوی، سید علی؛ دیگران، ارزش حقوقی دیدگاه های پایانی کمیته حقوق بشر، مجله حقوق بین المللی، شماره ۱۳، سال بیست و هفتم، ۱۳۸۹، صص ۸۶-۶۳، ص ۶۴.
- سیمبر، رضا، حقوق بشر میراث مشترک جهانی: در آستانه سده بیست و یکم، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۴، ۱۳۳، صص ۱۰۶-۱۱۵.

- شیخی، محمد باقر، نظری بر جایگاه حقوقی "شورای حقوق بشر" ملل متحد، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ۴۰، شماره ۱، ۱۳۸۹، صص ۱۳۹-۱۵۷.
- عباسی شلقی، مجید، تحول نظری مفهوم حقوق بشر و جایگاه آن در روابط بین الملل، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، تهران، شماره ۲۰۱ و ۲۰۲، صص ۹۰-۱۰۱.
- فلسفی هدایت، هدایت ا...، تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶، ۱۷، سال ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، صص ۹۳-۱۳۶.
- محمدی، مهدی، نظریات غرب و اسلام در باب حقوق بشر، مجله رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۵۸، تهران، ۱۳۸۴، صص ۳۶-۴۱.
- مهدویان، حسن، برپایی شورای حقوق بشر: گام نخست در اصلاح ساختار سازمان ملل متحد، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۳-۲۲۴، ۱۳۸۵، صص ۹۰-۱۰۱.

ج) کتب انگلیسی

- Andrew, Fagan, Human Rights in Social and Political Philosophy, *Internet Encyclopedia of Philosophy*, ۲۰۰۹/۱/۲۸.
- cheline.R.Ishay, the History of Human Right From Ancient to the globalization Era. ۲۰۰۴, university of californa perss.
- Freeman, Michael, *Human rights : an interdisciplinary approach*. Cambridge: Polity Press, (۲۰۰۲).
- Henri, j, Steiner, Other, International Human Rights in Context; Law, Politics, Morals, ۳rd Edition, New York, Oxford University Press, ۲۰۰۷, p ۹۱۵

- Lowell W. Livezy, “Nongovernmental organizations and the Ideas of Human Rights,” (Princeton, NJ: Princeton University center of International Studies, ۱۹۸۸).
- Nickel, James. *Making Sense of Human Rights: Philosophical Reflections on the Universal Declaration of Human Rights*, (Berkeley; University of California Press, ۱۹۹۲).
- Stephen J. Flanagan and James A. Schear, “Strategic challenges: America’S Global Security Agenda”, Dulles, Va: Potomac Books, ۲۰۰۸.
- United Nation , The Universal declaration of human rights ۱۹۴۸-۱۹۹۸, New York: The united Nations department of Public Information, ۱۹۹۸.